

# بررسی موارد نقض حقوق معترضان در وقایع پس از انتخابات

شادی صدر

مرکز اسناد حقوق بشر ایران

خرداد ۱۳۸۹

## مرکز اسناد حقوق بشر ایران

مرکز اسناد حقوق بشر ایران نهادی بیطرف و مستقل پژوهشی است که هدف آن ایجاد یک تاریخچه جامع و عینی از وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران از زمان انقلاب سال ۱۳۵۷ به بعد می‌باشد. این تاریخچه، شامل جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل طیف گسترده‌ای از اسناد و مدارک است که به صورت آرشیو، جهت مطالعه و تحقیق در دسترس عموم قرار خواهد گرفت. با تکیه بر این اصل که مسئولیت‌پذیری در قبال تخلفات گذشته لازمه پیشرفت اجتماعی و تحولات دموکراتیک در آینده خواهد بود، مرکز اسناد حقوق بشر ایران، گفتگو و تبادل نظر آگاهانه درباره وضعیت حقوق بشر در ایران را تشویق و ترغیب می‌نماید. این مرکز با تعداد زیادی از پژوهشگران و متخصصان در زمینه مستندسازی موارد نقض حقوق بشر و سایر پروژه‌ها همکاری می‌کند.

### اهداف مرکز اسناد حقوق بشر ایران

- بررسی و مستندسازی موارد تخلف حقوق بشر در ایران؛
- ارتقای سطح آگاهی مجامع بین‌المللی از تخلفات حقوق بشر در ایران و تحت فشار قرار دادن دولت ایران برای خاتمه دادن به این تخلفات؛
- ارتقای سطح آگاهی مردم ایران از موارد تخلف حقوق بشر در ایران و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر؛
- ایجاد مجموعه و آرشیوی اینترنتی از اسناد حقوق بشر با این امید که روزی در پیشرفت و حمایت از روند مسئول شناختن متخلفان مورد استفاده قرار گیرد.

آدرس:

#### **Iran Human Rights Documentation Center**

129 Church Street, Suite 304

New Haven, CT 06510, USA

تلفن: ۲۲۱۸-۷۷۲ (۲۰۳)

نمابر: ۱۷۸۲-۷۷۲ (۲۰۳)

پست الکترونیکی: [info@iranhrdc.org](mailto:info@iranhrdc.org)

پایگاه اطلاعاتی: <http://www.iranhrdc.org>

بررسی موارد نقض حقوق معترضان در وقایع پس از انتخابات

شادی صدر

مرکز اسناد حقوق بشر ایران

خرداد ۱۳۸۹



## مقدمه

نزدیک به یک سال از اعتراضات گسترده مردم به نتایج اعلام شده در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ می گذرد. در یک سال گذشته، سرکوب وسیع اعتراضات در عرصه ها و به اشکال مختلف، وضعیت حقوق بشر در ایران را بیش از پیش مخاطره آمیز کرده است. در این میان، بسیاری از حقوقدانان و فعالان حقوق بشر نقد خود را بر عملکرد ایران در زمینه حقوق بشر در چارچوب قوانین موجود و جاری مطرح کرده اند. این مقاله در پی بررسی این موضوع است که کدامیک از قوانین در زمینه حقوق اعتراض کنندگان، قابل استناد هستند و در وقایع پس از انتخابات، کدامیک از این قوانین و تا چه حد نقض شده است. به همین منظور، حقوق بنیادینی را که در قانون اساسی ایران و قوانین عادی به رسمیت شناخته شده، به عنوان مبنای کار قرار داده ام و سعی کرده ام پس از بررسی حدود و ثغور مشخص شده در قوانین برای حقوق یاد شده، برخی از مهمترین موارد مشخصی را که این حقوق بنیادین به طور وسیعی نقض شده اند تشریح کنم.

## ۱. حق آزادی تجمعات

اصل ۲۷ قانون اساسی مقرر می دارد: «تشکیل اجتماعات و راه پیمایی ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.» در این اصل، دو شرط بر اصل آزادی تجمعات وارد شده است: عدم حمل سلاح و مخل نبودن به مبانی اسلام که به خصوص شرط دوم بسیار قابل تفسیر است زیرا در هیچ متن مورد اجماع حقوقی، تعریف مشخصی از «مبانی اسلام» ارائه نشده است. با این همه، «قانون فعالیت احزاب، جمعیت ها و انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده»، بر این شروط، قیود دیگری نیز می افزاید. تبصره ۲ ماده ۶ این قانون چارچوبهای حقوقی برای آزادی فعالیت گروهها برای برگزاری تجمعات را چنین روشن می کند: «برگزاری راهپیمایی ها با اطلاع وزارت کشور بدون حمل سلاح در صورتی که به تشخیص کمیسیون ماده ۱۰ مخل به مبانی اسلام نباشد و نیز تشکیل اجتماعات در میادین و پارکهای عمومی با کسب مجوز از وزارت کشور آزاد است.» به این ترتیب، اول اینکه تنها احزاب، انجمن ها و سازمانهای غیردولتی که در وزارت کشور به ثبت رسیده باشند، حق درخواست مجوز را دارند و شهروندان عادی فاقد تشکل یا تشکلهای غیرثبت شده، حق برگزار تجمعات را ندارند. دوم اینکه کمیسیون ماده ۱۰ که متشکل از نمایندگان دستگاههای مختلف حکومتی است باید تشخیص دهد که آیا تظاهراتی مخل به مبانی اسلام هست و یا نه و در صورتی که نباشد، مجوز برگزاری آن را صادر می کند. بنابراین به طور خلاصه، در جمهوری اسلامی ایران، حق آزادی تجمعات محدود و مقید به شرایط زیر شده است:

۱. عدم حمل سلاح
۲. عدم اخلال به مبانی اسلام
۳. ثبت درخواست از سوی یک تشکل ثبت شده
۴. مصدور مجوز از سوی کمیسیون ماده ۱۰

با مرور شرایط حاکم بر تجمعات مردم پس از انتخابات، و قیود قانونی، به سادگی می توان دریافت که هیچیک از تجمعات یاد شده، از نظر قوانین حاکم، قانونی نبوده است. ماده ۴ «قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری» به مأموران انتظامی (نیروهای پلیس) اجازه می دهد در صورتی که؛

«الف - قبلا» از وسایل دیگری مطابق مقررات استفاده شده و مؤثر واقع نشده باشد.

ب - قبل از بکارگیری سلاح با اخلالگران و شورشیان نسبت به بکارگیری سلاح اتمام حجت شده باشد.»

«برای اعاده نظم و کنترل راهپیمایی های غیر قانونی، فرو نشاندن شورش و بلوا و ناآرامی هایی که بدون بکارگیری سلاح مهار آنها امکان پذیر نباشد، حق بکارگیری سلاح را به دستور فرمانده عملیات» داشته باشند.

براساس ماده ۵ همین قانون، نیروهای نظامی تنها زمانی می توانند برای اعاده نظم و امنیت در راهپیمایی های غیرقانونی مداخله کنند که این راهپیمایی ها مسلحانه باشد.

تاکنون هیچ شواهد و مدارک قابل اعتمادی مبنی بر اینکه اعتراضات پس از انتخابات، مسالمت آمیز نبوده، ارائه نشده است. با این همه، سپاه پاسداران در بیانیه ای رسمی اعلام کرد که برای سرکوب اعتراضات خیابانی، وارد عمل خواهد شد. همچنین فرماندهان سپاه بارها در مصاحبه های متعدد اعلام کردند برای فرونشاندن تجمعات، از نیروهای سپاه و نیروی شبه نظامی بسیج استفاده شده است. در حالی که به دلیل غیر مسلحانه بودن راهپیمایی های پس از انتخابات، سپاه پاسداران و بسیج اساسا حق مداخله نداشته اند. نیروی انتظامی (پلیس) هم تنها زمانی حق استفاده از اسلحه را داشته که روشهای دیگر کنترل و برقراری نظم، مؤثر نبوده باشد و به نظاهر کنندگان اخطار قبلی داده شود که در صورتی که به تظاهرات ادامه دهند، از اسلحه استفاده خواهد شد. هیچیک از شهود تیراندازی های مکرر به نظاهر کنندگان تاکنون گزارش نداده اند که پیش از استفاده از اسلحه، مأموران نظامی و انتظامی اخطار داده باشند. این در حالی است که در چندین تظاهرات مختلف (۲۵ خرداد ۸۸، ۳۰ خرداد ۸۸، تظاهرات بهارستان، تجمعات روز عاشورا ...)، از شلیک گلوله برای پایان دادن به تظاهرات استفاده شده است که منجر به قتل و زخمی شدن تعداد قابل توجهی از معترضان شده است. ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی می گوید: «هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی جرمی واقع شود آمر و مامور به مجازات مقرر در قانون محکوم می شوند ولی ماموری که امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصوری که قانونی است اجراء کرده باشد، فقط به پرداخت دیه یا ضمانت مالی محکوم خواهد شد.» و ماده ۷۳ همین قانون مقرر می دارد: «هر یک از مقامات و مأمورین دولتی که بر خلاف قانون آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتی به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.» به این ترتیب، آمران و عاملان نظامی و انتظامی استفاده از اسلحه برای سرکوب تظاهرات مردم در

روزهای مختلف، از آنجایی که صرف استفاده از سلاح غیر قانونی بوده و گروهی را از حق حیات محروم یا بر تمامیت جسمانی آنها لطمه وارد ساخته است، باید تحت تعقیب کیفری قرار بگیرند. با این همه، همانگونه که در بخش نقض حق عدالت خواهیم دید، این قوانین نیز تقریباً به طور کامل مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته‌اند. (نگاه کنید به بخش آخر این مقاله)

اما سرکوب مسلحانه تظاهرات مردم تنها روش نقض حق آزادی تجمعات مسالمت آمیز نبوده است. هزاران نفر از تظاهر کنندگان، در خیابانها بازداشت شده‌اند و به اتهام شرکت در تجمعات غیرقانونی، مورد تعقیب کیفری قرار گرفته‌اند. در برخی از موارد که رای دادگاه صادر و قطعی شده است، اتهام شرکت کنندگان در تظاهرات، اقدام علیه امنیت ملی عنوان شده است. یکی از این موارد، عاطفه نبوی، یک دختر دانشجوی، تنها به دلیل شرکت در تجمع ۲۵ خرداد که پرتعدادترین تجمع پس از انتخابات بود و حتی مسئولان دولتی اذعان کردند بیش از ۲ میلیون نفر در آن شرکت داشتند، در "اخلال در نظام عمومی" و "اجتماع و تبانی علیه نظام از طریق شرکت در تظاهرات غیرقانونی" مقصر شناخته و به ۴ سال حبس محکوم شده است. کتاب پنجم، فصل اول، جرائم علیه امنیت ملی را تعریف می‌کند که شامل تشکیل یا اداره گروه با هدف برهم زدن امنیت کشور یا عضویت در چنین گروههایی (مواد ۴۹۸ و ۴۹۹)، فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی (ماده ۵۰۰)، جاسوسی (مواد ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۵، ۵۰۶ و ۵۱۰)، تحریک نیروهای مسلح به ترمد (ماده ۵۰۴)، همکاری با دول خارجی متخاصم (ماده ۵۰۸)، تهدید به بمب گذاری (ماده ۵۱۱)، تحریک مردم به جنگ و کشتار یکدیگر (ماده ۵۱۲) می‌شود. کاملاً واضح است شرکت در تظاهرات اعتراضی به نتایج انتخابات، نمی‌تواند مصداق هیچیک از جرائم علیه امنیت ملی باشد. با این همه، تعداد زیادی از شرکت کنندگان در انتخابات به اتهام اقدام علیه امنیت ملی بازداشت، محاکمه و مجازات شدند.

پس از تظاهرات روز عاشورا، به استناد فتوای آیت الله مکارم شیرازی، یکی از مراجع تدریجی، که تظاهرات کنندگان روز عاشورا را محارب خوانده بود، دادگاههای انقلاب چند تن از دستگیرشدگان این روز را به عنوان "محارب" به اعدام محکوم کرد. محمد امین ولیان، دانشجوی ۲۰ ساله به این دلیل که در راهپیمایی روز عاشورا، چند سنگ به نیروهای بسیجی پرتاب کرده است، توسط دادگاه انقلاب به عنوان محارب به اعدام محکوم شده است. این در حالی است که طبق ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی، محارب کسی است که "برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد". وی اجازه تعیین وکیل را نیافت اما دادگاه دفاعیات وکیل تسخیری وی را که گفته بود از نظر شرعی، "سنگ" اسلحه محسوب نمی‌شود را نیز نپذیرفت و حکم اعدام وی در دادگاه تجدید نظر نیز قطعی شده است.

## ۲. منع بازداشت خودسرانه

با وجود اینکه هیچ آمار دقیقی از تعداد کسانی که در وقایع پس از انتخابات بازداشت شدند وجود ندارد اما به گفته مقامات رسمی، تنها در یک ماه اول پس از انتخابات، ۴۰۰۰ نفر بازداشت شده‌اند. برخی از سازمانهای حقوق بشری آمار بازداشت شدگان وقایع پس از انتخابات را تا ماه مارچ ۲۰۱۰، ۱۸۰۰۰ نفر اعلام کرده‌اند. بازداشت شدگان یا در خیابان و در حین تظاهرات دستگیر شده‌اند و یا با مراجعه مأموران امنیتی به خانه یا محل کارشان، بازداشت شده‌اند. در هر دو صورت، براساس شواهد و مدارک موجود، حقوق بازداشت شدگان به شکل وسیعی نقض شده است.

### ۱.۲ بازداشت بدون حکم قضایی:

اصل ۳۲ قانون اساسی می‌گوید: "هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود." قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب و قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، نحوه اجرای این اصل را تعیین کرده‌اند. براساس این قوانین، اول اینکه جز در جرائم مشهود، بدون حکم مقام قضایی (بازپرس یا موافقت دادستان یا خود دادستان) نمی‌توان هیچکس را دستگیر کرد. در موارد بازداشت در جرائم مشهود، ضابطان قضایی (مأموران پلیس، نیروهای امنیتی) موظفند در عرض ۲۴ ساعت پس از بازداشت، نظر مقام قضایی را نسبت به ادامه بازداشت یا آزادی متهم جلب کنند. قراردادهای بازداشت نیز باید مستدل و مستند باشد. همچنین متهم حق دارد در فواصل زمانی معین به قرار بازداشت اعتراض کند. حتی در صورت عدم اعتراض نیز در جرائم مربوط به امنیت ملی، پس از دو ماه بازداشت موقت، مرجع قضایی باید قرار را تبدیل کند مگر اینکه دلیل روشنی برای تداوم بازداشت ارائه دهد.

در عمل، در جریان بازداشت‌های پس از انتخابات، تقریباً تمامی این قوانین به شکل گسترده‌ای زیر پا گذاشته شده است.

در چند روز اول پس از انتخابات، تعداد زیادی از فعالان سیاسی و روزنامه نگاران شناخته شده در خانه‌ها یا محل کار خود دستگیر شدند. وکیل برخی از آنها بعدها اعلام کرد در پرونده این افراد، یک حکم کلی بازداشت وجود دارد که به امضای دادستان تهران (سعید مرتضوی) رسیده و چهار روز پیش از انتخابات، یعنی پیش از شروع اعتراضات خیابانی صادر شده است و هیچگونه استناد یا استدلالی در این حکم به چشم نمی‌خورد. به استناد این حکم کلی، مأموران تعداد زیادی را دستگیر کردند و خانه‌ها و محلهای کار آنها را تفتیش کردند. در حالی که فصل سوم قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مقررات مفصلی را برای تفتیش و بازرسی مکانهای خصوصی پیش بینی کرده که بسیاری از آنها در جریان بازداشت‌های پس از انتخابات نقض شده است. به عنوان مثال، ماده ۱۰۰ این قانون می‌گوید: "تفتیش و بازرسی منازل در روز به عمل می‌آید و هنگام شب در صورتی انجام می‌گیرد که ضرورت اقتضا کند. جهت ضرورت را قاضی باید در صورت مجلس قید نماید."

۱. [http://www.mardomak.org/news/judiciary\\_annoc\\_4000\\_detainees/](http://www.mardomak.org/news/judiciary_annoc_4000_detainees/)

۲. <https://docs.google.com/viewer?url=http://96.0.240.163/wp-content/uploads/2010/03/asamiye-bazdashti-ha88.pdf&pli=1>

۳. <http://www.kaleme.org/1388/10/23/klm-8188>

در حالی که منازل بسیاری از بازداشت شدگان در ساعات بعد از نیمه شب تفتیش شده بی آن که ماموران حکمی ارائه دهند که دلیل تفتیش شبانه در آن قید شده باشد!

براساس شهادت برخی از بازداشت شدگان در اعتراضات خیابانی، بدون آن که برای هر یک از آنها پرونده ای جداگانه با ادله و مدارک اختصاصی وجود داشته باشد، همه را مجبور می کردند فرمهایی را که از قبل آماده شده بود امضا و اثر انگشت بزنند. یکی از این بازداشت شدگان چنین شهادت داده است:

"صفحه جرمها برای همه یکسان بود. اقدام علیه امنیت ملی، ترمذ از دستور پلیس، تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی، اجیر شده توسط رسانه‌های بیگانه بی‌بی‌سی و وی او ای... فقط باید انگشت می زدیم. یکی را توی سوپرمارکت، یکی را توی درگیری و یکی را توی اتوبان همت، نرسیده به تهرانپارس گرفته بودند. همه یک جرم داشتیم و برگه را باید انگشت میزدیم. یک درجه دار بالای سرمان ایستاده بود. میگفتیم ما قبول نداریم ولی میگفت انگشت بزن. من سعی کردم نزنم ولی کتک خوردم. با مشت و لگد و شلنگ میزدند. حتی خود حیدری فر هم گاهی از بالای سکو می آمد پایین و خودش هم چک و لگد می زد. من هم انگشت زدم. همه انگشت زدند."

این در حالی است که براساس ماده ۱۰۹ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، قاضی باید موضوع اتهام و دلایل آن را به متهم، تفهیم و پس از آن، تحقیق را آغاز کند.

بسیاری از بازداشت شدگان وقایع پس از انتخاب، ماهها در بازداشت موقت به سر برده اند بدون اینکه مقررات قانونی درباره آنها اجرا شده باشد. کبری زاغه دوست که در مراسم چهلم شهدای انتخابات در بهشت زهرا بازداشت شده بود، ۹ ماه است که در بازداشت موقت به سر می برد بدون اینکه مقامات قضایی تعیین تکلیفی را برای او انجام دهند. به گفته وکیل این بازداشت شده، قرار بازداشت او پس از ۹ ماه مجددا تمدید شده است بدون اینکه هیچ توضیحی به وکیل و خانواده وی در مورد علت تمدید قرار داده شود.

### ۳. منع شکنجه

اصل ۳۸ قانون اساسی شکنجه را به طور کلی ممنوع اعلام می کند: "هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود." در قوانین عادی نیز مقررات نسبتاً مفصلی برای منع شکنجه و ضمانت اجرایی برای مجازات شکنجه گران پیش بینی شده است. قانون حقوق شهروندی، علاوه بر شکنجه، اذیت و آزار متهمان را که شامل بستن چشم و سایر اعضا، تحقیر و استخفاف آنها، پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم ... را ممنوع کرده است. با این همه، تقریباً تمامی کسانی که توسط ماموران امنیتی وزارت اطلاعات ایران بازداشت شده اند و به خصوص در بند ۲۰۹ زندان اوین مورد بازجویی قرار گرفته اند، اجبار به زدن چشم بند در تمامی مکانهای این بند، بازجویی رو به دیوار و همینطور استفاده مکرر بازجویان از الفاظ تحقیر آمیز و تهدید را گزارش کرده اند. به طور خلاصه، از روایتهای متعدد که یکدیگر را تایید می کنند چنین به دست می آید که هر سه نوع شکنجه جسمی، شکنجه روحی و شکنجه جنسی در مورد بازداشت شدگان وقایع پس از انتخابات استفاده شده است.

#### ۳.۱ شکنجه های جسمی:

شامل کتک زدن، استفاده از گازهای اشک آور و فلفل و خردل، باتوم زدن، محروم کردن از غذا، آب و توالیت، نگه داشتن در شرایط بد فیزیکی (هوای بسیار گرم و بدون تهویه)، نگه داشتن تعداد بسیار زیادی زندانی در سلولهای کوچک، عدم رسیدگی بهداشتی و درمانی در مورد بازداشت شدگان زخمی و بیمار، برخی از شکنجه هایی است که به کرات گزارش شده است و هیات تحقیق و تفحص مجلس نیز در گزارش خود حداقل در مورد بازداشت شدگانی که به بازداشتگاه کهریزک برده شده بودند، آنها را تایید کرده است. این هیات همچنین تایید کرده است که سه نفر از بازداشت شدگان روز ۱۸ تیر به دلیل شکنجه جسمی شدید و عدم رسیدگی درمانی و شرایط بد بازداشتگاه، به قتل رسیده اند.

#### ۳.۲ شکنجه های روحی:

شامل نگه داشتن روزهای متوالی در سلول انفرادی، فحاشی، تهدید به اعدام، تهدید به تجاوز، تهدید نسبت به سوء رفتار با اعضای خانواده، بازداشت فرزندان، بلا تکلیفی در مورد پرونده ... گزارش شده است. براساس گزارش محمد مصطفایی، وکیل هنگامه شهیدی، روزنامه نگار و مسئول امور زنان ستاد مهدی کروبی که چند روز پس از انتخابات بازداشت شد و هم اکنون نیز برای گذراندن دوران حبس شش سال و سه ماهه خود در زندان اوین است شهیدی در یکی از جلسات بازپرسی در دادرسی انقلاب اعلام کرده است: «در زندان شب اول مرا کتک زدند و دائماً فحاشی می کردند به حدی که مرا به التماس می انداختند. اینچنان روزی ۱۲ قرص آرام بخش و اعصاب و ۸ عدد قرص مربوط به بیماری قلب و حدود روزانه ۵ قرص متفرقه در خصوص مشکلات مثانه و کلیه مصرف می کردم. از شب اول بازداشت تا خروج از انفرادی دائماً مرا به اعدام تهدید

۴. [http://www.radiofarda.com/content/F8\\_mirdamadi\\_nouraninejad\\_arrest/1824818.html](http://www.radiofarda.com/content/F8_mirdamadi_nouraninejad_arrest/1824818.html)

۵. <http://www.iranrights.org/farsi/document-1217.php>

۶. <http://www.rhairsan.info/archives/10402>

۷. <http://www.mardomsalari.com/Template1/News.aspx?NID=69403>

می کردند و فحاشی‌های مکرر آن‌ها مرا به قدری به هم ریخته بود که ۵۰ شب کابوس اعدام می‌دیدم. بنده تحت فشار برای اقرارهای اضافی بودم.<sup>۸</sup> نگه داشتن‌های طولانی مدت در سلول انفرادی یکی از مواردی است که به کرات توسط خانواده یا وکلای زندانیان اعلام شده است. به عنوان مثال، بدرالسادات مفیدی، سخنگوی انجمن صنفی روزنامه نگاران که هنوز هم در زندان به سر می‌برد بیش از سه ماه از این دوره را در سلول انفرادی گذرانده است.<sup>۹</sup> هر چند زمانهای طولانی تری هم برای حبس در انفرادی گزارش شده است.<sup>۱۰</sup> این در حالی است که براساس قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، اساسا نگه داری متهمان در سلول انفرادی ممنوع است.

### ۳.۳ شکنجه های جنسی:

بازداشت شدگان موارد مکرری را از شکنجه های جنسی که شامل هم بازداشت شدگان مرد و هم بازداشت شدگان زن می شده گزارش کرده اند. مهدی کروبی، یکی از دو کاندیدای اصلاح طلب در نامه ای به آیت الله رفسنجانی، رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام، از اطمینان خود نسبت به وقوع شکنجه جنسی و تجاوز در زندانها سخن گفت<sup>۱۱</sup> و پس از آن، مستندات خود را در چند مورد مشخص از کسانی که به آنها تجاوز شده بود، به مجلس و قوه قضاییه ارائه کرد. با این همه، مقامات رسمی همواره وقوع تجاوز را در زندانها انکار کردند. هر چند برخی از بازداشت شدگان که موفق به خروج از کشور شده بودند، در شهادتهایی، جزئیات تجاوز به خود را تشریح کردند. در این میان، شهادت ابراهیم شریفی<sup>۱۲</sup> و مریم صبری<sup>۱۳</sup>، قابل توجه است. به جز تجاوز، موارد متعدد دیگری از شکنجه جنسی، از تهدید به تجاوز گرفته تا استفاده از الفاظ رکیک جنسی و نیز، تحت فشار قرار دادن زندانیان، به خصوص زندانیان زن برای اقرار به روابط خارج از ازدواج با مردان سیاسی، برخی دیگر از شکنجه های جنسی گزارش شده است. محمد مصطفایی، وکیل هنگامه شهیدی، در گزارشی می نویسد که در موقع خواندن پرونده موکلش به سئوالات متعددی در مورد روابط شخصی و خصوصی وی برخورد کرده که از بازگویی آنها شرم داشته است<sup>۱۴</sup>. این در حالی است که بند ۱۱ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مقرر می‌دارد: «پرسش‌ها باید مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سوال از گناهکاران گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیر موثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد.» و تبصره ماده ۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری نیز می‌گوید: «تحقیق در جرایم منافی عفت ممنوع است مگر در مواردی که جرم مشهود باشد و یا دارای شاکی خصوصی بوده که در مورد اخیر توسط قاضی دادگاه انجام می‌گیرد.»

با وجود اینکه ماده ۹۰ قانون مجازات اسلامی، برای اعمال شکنجه، مجازات یک تا ۵ سال حبس علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه را پیش بینی کرده است، تا امروز هیچ گزارشی مبنی بر مجازات عاملان شکنجه های یاد شده، از سوی مقامات قضایی ایران منتشر نشده است.

### ۴. برخورداری از محاکمه منصفانه:

ضوابط مربوط به متهم، حقوق وی در دوران بازجویی و نیز، ضوابط مربوط به محاکمه منصفانه تا حدودی در قوانین ایران به رسمیت شناخته شده است. اصل ۳۵ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «در همه دادگاه ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانای انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.» هرچند این حق در مورد محاکمات سیاسی و همچنین در مورد نقش وکیل میزان دخالتهایی او در مرحله تحقیقات مقدماتی (منظور مرحله ای است که پرونده در دادرسی و هنوز کیفرخواست صادر نشده است)، تا حدود زیادی به وسیله قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری محدود شده است. ماده ۱۲۸ این قانون اگر چه حق متهم را برای به همراه داشتن وکیل در زمان تحقیقات مقدماتی به رسمیت شناخته اما حق مداخله به وکیل و دفاع را به او نداده است. وکیل متهم صرفا می تواند بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه تحقیقات مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به قاضی اعلام کند. در مواردی که موضوع پرونده جرائم علیه امنیت کشور باشد نیز باز پرس یا دادیار می تواند اساسا اجازه حضور وکیل را ندهد. بنابراین تنها موردی که حق انتخاب داشتن وکیل به طور مطلق برای متهمان سیاسی به رسمیت شناخته شده، زمانی است که جلسه دادگاه تشکیل شده باشد. اما در عمل، در مورد بازداشت شدگان وقایع پس از انتخابات، نه تنها مقامات دادرسی به هیچیک از وکلای حاضر در مرحله تحقیقات مقدماتی را ندادند و در این زمینه، کاملا از اختیاری که ماده ۱۲۸ به آنها داده بود استفاده کردند، بلکه حتی در دادگاههای تشکیل شده برای متهمان این وقایع نیز، به کرات اجازه حضور وکلای انتخابی داده نشد یا خود مقامات امنیتی وکلایی را به جای وکلای انتخابی برای این متهمان تعیین کردند که اغلب، دفاعیاتی بسیار ضعیف ارائه دادند. این در حالی است که قانون تنها در زمانی که متهم توانایی مالی گرفتن وکیل را نداشته باشد و اتهام،

۸. <http://chrr.us/spip.php?article9223>

۹. <http://parsdailynews.com/62634.htm>

۱۰. [http://hra-news2.info/index.php?option=com\\_content&view=article&id=495:tavakoli&catid=7:776&Itemid=7](http://hra-news2.info/index.php?option=com_content&view=article&id=495:tavakoli&catid=7:776&Itemid=7)

۱۱. <http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=58952>

۱۲. [http://www.youtube.com/watch?v=KS7JE6\\_h6YE](http://www.youtube.com/watch?v=KS7JE6_h6YE)

۱۳. <http://www.izlese.org/uo-uoeu-ouoo-uo-e-o1.html>

۱۴. <http://chrr.us/spip.php?article9223>



مجازاتهای سنگین در پی داشته باشد مجاز است و کیل تسخیری برای متهم برگزیند. (ماده ۱۸۶ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری)

نسرین ستوده، وکیل آرش رحمانی پور، که در یکی از دادگاههای نمایشی<sup>۱۵</sup> به اتخام سازماندهی تجمعات پس از انتخابات محاکمه و به اعدام محکوم شد و کوتاه زمانی پس از آن حکم اعدام او به اجرا در آمد در حالی که دو ماه پیش از انتخابات و به اتهام دیگری دستگیر شده بود، در مصاحبه ای درباره روند اخذ اعترافات و محرومیت موکلش از حق داشتن وکیل چنین گفته است: "علاوه بر همه فشارهایی که علیه آقای رحمانی پور در جریان بود، ایشان به من گفتند که ماموران مداوماً به او میگفتند اگر به کارهای ناکرده اعتراف کنی، ما اعدامات را تبدیل به ۱۰ سال حبس می کنیم که هرگز این اتفاق نیفتاد... در تمام طول بازجویی و محاکمه، از حضور من در دادگاه جلوگیری به عمل آمد. در یکی از جلساتی که به حضور در دادگاه برای دفاع از موکلم اصرار کردم، تهدید به بازداشت شدم و دست آخر مامور مربوطه با اخذ پروانه و کالت من، موضوع را صورتجلسه کرد"<sup>۱۶</sup>. از آرش رحمانی یک وکیل تسخیری که توسط دادگاه انتخاب شده بود دفاع کرد.

همچنین در ماههای آخر سال ۸۸، دادسرای انقلاب تهران یک شعبه را داخل زندان اوین برای رسیدگی به پرونده های بازداشت شدگان پس از انتخابات تاسیس کرد که به دلیل قرار گرفتن در داخل زندان، هیچیک از وکلای این زندانیان امکان مراجعه به این شعبه و پیگیری پرونده های موکلان را نداشتند. باوجود اعتراضات مکرر موکلان نسبت به این موضوع، شعبه یاد شده همچنان به کار خود ادامه می دهد<sup>۱۷</sup>.

یکی دیگر از حقوق متهمان که نقض آن به کرات گزارش شده است، انجام بازجویی توسط ماموران امنیتی و بدون حضور مقامات قضایی است. طبق قانون، تحقیق از متهمان صرفاً باید توسط مقامات قضایی صورت بگیرد اما در عمل در تمامی پرونده های تشکیل شده برای معترضان پس از انتخابات، این نهادهای امنیتی و انتظامی مختلف بودند که کار تحقیق و بازجویی از متهمان را در زندانها انجام می دادند. آنها نه تنها روند پرونده را بدون هیچگونه نظارت قضایی پیش می بردند بلکه در موارد متعدد، این مقامات امنیتی بودند که به قضات توصیه می کردند که احکام خود را چگونه صادر کنند. یکی از وکلای متهمان پرونده های سیاسی در مصاحبه ای می گوید که براساس آنچه در پرونده آمده، مقامات امنیتی جرم، سئوالها و حتی مجازاتی را که باید متهمان به آن محکوم شوند را نیز تعیین کرده اند و در واقع کل روند پرونده ها خارج از دستگاه قضایی طی شده است<sup>۱۸</sup>.

اصل علنی بودن محاکمات که در اصل ۱۶۵ قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است، مقید به دو شرط است که به قاضی دادگاه اجازه می دهد در صورتی که تشخیص دهد علنی بودن دادگاه منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد، می تواند جلسه را غیر علنی اعلام کند. ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری شرط مغل احساسات مذهبی بودن را هم به سایر شروطی که قاضی می تواند به استناد آنها دادگاه را غیر علنی اعلام کند اضافه کرده است. به این ترتیب، به استناد این ماده قانونی، اکثریت محاکمات متهمان حوادث پس از انتخابات، غیر علنی و پشت درهای بسته انجام شد. در برخی از آنها نیز که بعدها به "دادگاههای نمایشی" معروف شدند، تنها خبرنگاران رسانه های نزدیک به دولت اجازه حضور یافتند و حتی بستگان متهمان یا وکلای آنها، از حضور در جلسه دادگاه منع شدند. در عین حال ذکر این نکته لازم است که اصل ۱۶۵ قانون اساسی و ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری در مورد جرائم علیه امنیت ملی (که با هر تعریفی شامل جرائم سیاسی می شوند)، کاملاً با اصل دیگری از قانون اساسی تعارض دارد که می گوید "رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیات منصفه در محاکم دادگستری صورت می گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیات منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می کند. (اصل ۱۶۸) این اصل هیچگاه در مورد جرائم سیاسی اجرا نشده است.

## ۵. حق برخورداری از عدالت<sup>۱۹</sup> (دادخواهی)

در مقابل نقض گسترده حقوق معترضان پس از انتخابات ریاست جمهوری، گرایشی نسبتاً گسترده میان بازماندگان قربانیان نقض حقوق بشر و خود قربانیان برای دادخواهی شکل گرفت. مهمترین گروهی که این روند را آغاز و پیگیری کردند، خانواده کسانی بودند که در جریان اعتراضات، در خیابانها یا در زندانها کشته شده بودند. بسیاری از آنها، پس از اطلاع یافتن از کشته شدن عزیزانشان، شکایات خود را در مراجع قضایی تسلیم کردند و خواستار پیگیری و شناسایی عوامل شکنجه و قتل آنها شدند. آنها خواسته های دیگری نیز داشتند که از جمله آنها، بازپس داد و سائل و لباسهای عزیزانشان بود که اغلب کاملاً لخت به آنها تحویل داده شده بودند.

اصل ۳۴ قانون اساسی، دادخواهی را حق مسلم هر فردی می داند و می گوید: "هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه ها را در دسترس داشته باشند و هیچکس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد."

همانگونه که در بالا گفته شد، مواد قانونی متعددی در مورد مجازات ماموران دولتی که با اعمال خلاف قانون به تمامیت جسمانی افراد تجاوز می

۱۵. [http://fa.wikipedia.org/wiki/آرش\\_رحمانی\\_پور](http://fa.wikipedia.org/wiki/آرش_رحمانی_پور)

۱۶. <http://www.dw-world.de/dw/article/0,,5178349,00.html>

۱۷. <http://noorebeidokht121.persianblog.ir/post/367>

۱۸. <http://www.melliun.org/hambast/ha10/04/12hoghugh.htm>

۱۹. Right to justice, see: Principles for the Protection and Promotion of Human Rights Through Action to Combat Impunity, <http://www.hrw.org/en/node/82539/section/8>

کنند وجود دارد و یکی از مهمترین مواد در این باره، همانطور که گفته شد، ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی است که می گوید: "هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی جرمی واقع شود آمر و مامور به مجازات مقرر در قانون محکوم می شوند ولی ماموری که امر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصوراتی که قانونی است اجراء کرده باشد، فقط به پرداخت دیه یا ضمان مالی محکوم خواهد شد."

با این همه، در عمل تنها در مورد اعمال خلاف قانونی که در بازداشتگاه کهریزک منجر به قتل حداقل ۳ نفر شد رسیدگی قضایی صورت گرفت و ۷ نفر از پرسنل نیروی انتظامی متهم ساخته شدند.<sup>۲۰</sup> تا لحظه نوشتن این گزارش هنوز حکم دادگاه نظامی رسماً اعلام نشده است.

لادن مصطفایی، همسر علی حسن پور که در تظاهرات ۲۵ خرداد به ضرب گلوله کشته شده است در مصاحبه ای می گوید: "ما شکایت کرده و خواستار معرفی و محاکمه قاتلان همسر شده ایم. پرونده در دادسرای جنایی تهران است و به صورت مداوم پی گیری می کنیم اما هیچ جوابی به ما نمی دهند. اما ما کنار نمی کشیم و میخواهیم بدانیم علی را به چه گناهی کشتند؟ چرا باید در خیابان به راحتی او را با گلوله بزنند و هیچ کسی هم پاسخگو نباشد. چه کسی او را کشته و چه کسی دستور کشتن را صادر کرده است؟ بیایند بگویند جرم همسر من و سایر عزیزان مردم چه بود که در روز روشن آنها را کشتند... به ما گفتند بیاید دیه بگیرید. گفتند دو بچه داری و بیا دیه بگیر. اما نه من، نه مادر و خانواده همسر من و نه بچه های من به هیچ عنوان حاضر نیستیم دیه بگیریم و رضایت دهیم. ما تا آخرین لحظه پای شکایت مان می ایستیم و از سازمان ملل هم تقاضا میکنم کمک کند به من و خانواده من و سایر خانواده هایی که عزیزان بی گناهاشان را کشته اند. کمک کند تا پرونده ها به جریان بیفتند و قاتلان عزیزان ما معرفی شوند."<sup>۲۱</sup>

وضعیتی مشابه درباره سایر پرونده هایی که برای پیگیری موارد قتل، شکنجه و تجاوز تشکیل شده نیز وجود دارد. غیر از عدم پیگیری و معرفی نشدن عاملان این اعمال خلاف قانون، برخی از شکایت کنندگان نیز تهدید یا تطمیع شده اند تا شکایت های خود را پس بگیرند. ابراهیم شریفی، یکی از کسانی که ادعا داشت در بازداشتگاه کهریزک به او تجاوز شده، پس از اینکه از سوی مهدی کروی به مقامات قضایی معرفی شد تا شکایت خود را پیگیری کند، اعلام کرد که پس از این اتفاق، مورد تهدید قرار گرفته که خانواده اش را در یک تصادف ساختگی از دست خواهد داد. وی برای فرار از تهدیدها، به خارج از ایران گریخته است.<sup>۲۲</sup>

به این ترتیب، اگرچه حقو دادخواهی، در قوانین ایران به رسمیت شناخته شده اما در عمل، در جریان وقایع پس از انتخابات، نقض گسترده حقوق شهروندان که توسط عوامل دولتی و حکومتی صورت گرفته، با مصونیت کامل آنها در مراجع قضایی مواجه شده است. بارزترین مثال این مصونیت، عدم پیگرد قضایی سعید مرتضوی، دادستان سابق تهران است که حتی پس از آن که هیات تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی وی را متهم اصلی فجایعی که در بازداشتگاه کهریزک اتفاق افتاد اعلام کرد<sup>۲۳</sup>، هیچگونه پرونده قضایی علیه او تشکیل نشد.

<sup>۲۰</sup> <http://tabnak.ir/fa/pages/?cid=77905>

<sup>۲۱</sup> [http://enghelabe-eslami.com/akhbare-roz\\_1/KH-13-20100425.htm](http://enghelabe-eslami.com/akhbare-roz_1/KH-13-20100425.htm)

<sup>۲۲</sup> <http://www.roozonline.com/persian/news/newsitem/article////107/-3d53fe7ccd.html>

<sup>۲۳</sup> <http://www.mardomsalari.com/Template1/News.aspx?NID=69403>





شادی صدر و کیل، خبرنگار و فعال حقوق بشر و حقوق زنان در ایران می باشد. صدر در سال ۱۳۷۸ از دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران فارغ شد.

خانم صدر از تعداد زیادی از خبرنگاران و فعالین حقوق بشر و حقوق زنان که محکوم به اعدام و سنگسار شده بودند و کالت کرده است. خانم صدر همچنان رئیس مجمع غیرانتفاعی راهی بود که خدمات حقوقی برای زنان ارائه می کرد. این مرکز در سال ۱۳۸۶ توسط جمهوری اسلامی بسته شد.

خانم صدر مقالات زیادی در باره وضعیت حقوق زنان در ایران نوشته است و مدتی به عنوان خبرنگار با روزنامه ها کار کرده است. وی همچنین وبسایت زنان ایران، که اولین وبسایت مخصوص زنان در ایران بود، را راه اندازی کرده است. این وبسایت در سال دوم فعالیت خود بیشتر از هفتاد هزار بازدیدکننده در یک ماه داشت.

در ماه تیر ۱۳۸۸، خانم صدر توسط افراد لباس شخصی دستگیر شد. اما بخاطر جو گسترده اعتراضات بین‌المللی، جمهوری اسلامی او را ۱۱ روز بعد آزاد ساخت. بعد از آزادی، خانم صدر ایران را ترک کرد و اکنون مقیم آلمان می باشد. خانم صدر به تلاش‌های خود برای بهبود و رشد حقوق زنان ایران در آلمان ادامه می‌دهد. در اردیبهشت ۱۳۸۹، خانم صدر غیابا به شش سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد که ۵ سال آن بخاطر «اقدام علیه امنیت کشور»، و یک سال آن همراه با ۷۴ ضربه شلاق به خاطر «اخلال در نظم عمومی» و «تمرد در مقابل مقامات جمهوری اسلامی» بود.

خانم صدر، جایزه های زیادی بخاطر فعالیت های حقوق بشری خود دریافت کرده است. از آن جمله می توان به جایزه شجاعت در رشته روزنامه نگاری و جایزه لاله دفاع از حقوق بشر نام برد.